

به نام خدا

اسناد افغانستان

تاریخ مخفی جنگ

www.ketab.ir

نویسنده: کریگ ویتلاک

سید علی موسوی

سرشناسه : ویتلاک ، کریگ Whitlock, Craig
 عنوان و نام پدیدآور: اسناد افغانستان : تاریخ مخفی جنگ / نویسنده کریگ ویتلاک ؛ مترجم
 سید علی موسوی .
 مشخصات نشر: تهران: نسل روشن، ۱۴۰۰ .
 مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص.: مصور (رنگی).
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۸۷۸-۰۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : عنوان اصلی: The Afghanistan papers : a secret history of the war, ۲۰۲۱.
 موضوع : جنگ افغانستان، ۱۳۸۰-
 Afghan war, ۲۰۰۱-

شناسه افزوده: موسوی، سیدعلی، ۱۳۶۴، - مترجم
 رده بندی کنگره: DS۳۷۷/۴۱۲
 رده بندی دیویی: ۹۵۸/۴۶۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۸۴۱۹
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

اسناد افغانستان تاریخ مخفی جنگ



نویسنده: کریگ ویتلاک
 مترجم: سید علی موسوی
 ناشر: نسل روشن
 طرح جلد و صفحه آرایی: علیرضا زمانی
 چاپ اول: ۱۴۰۰
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۱۰،۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۸۷۸-۰۰

تمامی مسئولیت ها و حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به مترجم می باشد.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از اثر را به صورت چاپ، فتوکپی و... را ندارد و متخلفین به موجب بنده از ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

کابل، پایتخت افغانستان، روز یکشنبه ۱۵ اوت ۲۰۲۱ میلادی برابر با ۲۴ اسد/مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی بدست طالبان سقوط کرد و این گروه پس از ۲۰ سال کنترل افغانستان را دوباره بدست گرفتند و در ارگ ریاست جمهوری مستقر شدند.

پیشروی‌های برق‌آسای طالبان در سراسر افغانستان و در نهایت تسلیم بی‌چون و چرای کابل در برابر مردان مسلح امارت اسلامی، مساله چرایی فروپاشیدن ارتشی که امریکا ۲۰ سال برای برپا کردنش وقت و ۸۳ میلیارد دلار هزینه کرد، پرسش بسیاری از ناظران، کارشناسان و البته میلیون‌ها شهروند افغان و غیرافغان در سراسر جهان است.

با طرح این سوال «چرا افغانستان در هشت روز سقوط کرد؟» به دنبال پاسخ آن رفتم کتاب‌ها و مقالات بسیاری را جستجو کردم. جواب بیشتر سوالاتم را در کتاب اسناد افغانستان نوشته کریگ ویتلاک پیدا کردم.

کریگ ویتلاک خبرنگار تحقیقی واشنگتن پست است. او از سال ۲۰۰۱ به عنوان خبرنگار خارجی، گزارشگر پنتاگون و متخصص امنیت ملی، جنگ جهانی علیه تروریسم را برای واشنگتن پست پوشش می‌دهد. در سال ۲۰۱۹، پوشش او از اخبار جنگ در افغانستان برنده جایزه جورج پولک برای گزارشگری نظامی، جایزه اسکریپس هاوارد برای گزارش تحقیقی، جایزه آزادی اطلاعات خبرنگاران تحقیقی و سردبیران و جایزه روزنامه نگاری رابرت اف کندی برای گزارش‌های بین‌المللی شد.

کتاب حاضر روایت تحقیقی پیشگام، نوآورانه و با تحولی جدید در رابطه با این است که چگونه سه رئیس جمهور متوالی و فرماندهان نظامی آنها سال به سال عموم مردم را درباره طولانی‌ترین جنگ در تاریخ امریکا فریب دادند. موضوعی که توسط کریگ ویتلاک، روایت می‌شود. کتاب اسناد افغانستان یک روایت تکان‌دهنده است.

فهرست

۹.....	دیباجه
۲۱.....	بخش اول / پیروزی واهی ۲۰۰۲-۲۰۰۱
۲۳.....	فصل اول - مأموریت نامعلوم
۳۳.....	فصل دوم - دشمن واقعی کیست؟
۴۳.....	فصل سوم - برنامه ملت سازی
۵۳.....	بخش دوم / حواس پرتی بزرگ ۲۰۰۵-۲۰۰۳
۵۵.....	فصل چهارم - بی توجهی ایالات متحده به افغانستان
۶۶.....	فصل پنجم - ساخت ارتش از خاکسترها
۷۵.....	فصل ششم - اسلام
۸۲.....	فصل هفتم - بازی در میدان هر دو طرف
۸۹.....	بخش سوم - بازگشت طالبان ۲۰۰۶ الی ۲۰۰۸
۹۱.....	فصل هشتم - دروغ ها
۹۸.....	فصل نهم - استراتژی نامعقول
۱۰۵.....	فصل دهم - جنگ سالاران
۱۱۳.....	فصل یازدهم - جنگ تریاک
۱۲۱.....	بخش چهارم / زیاده روی اوباما ۲۰۱۰-۲۰۰۹
۱۲۳.....	فصل دوازدهم - بافشاری برای یک اشتباه
۱۳۰.....	فصل سیزدهم - ائتلاف سرمایه های هنگفت

فهرست

فصل چهاردهم - دوست دیروز، دشمن امروز.....	۱۳۸
فصل پانزدهم - غرق در فساد.....	۱۴۸
بخش پنجم / فروپاشی ۲۰۱۱-۲۰۱۶.....	۱۵۷
فصل شانزدهم - دشمنی با حقایق.....	۱۵۹
فصل هفدهم - دشمن خودی.....	۱۶۸
فصل هجدهم - فریب بزرگ.....	۱۷۸
بخش ششم - بن بست ۲۰۲۱-۲۰۱۷.....	۱۸۷
فصل نوزدهم - ریاست جمهوری دونالد ترامپ.....	۱۸۹
فصل بیستم - مهد مواد مخدر.....	۱۹۷
فصل بیست و یکم - مذاکره با طالبان.....	۲۰۴
تصاویر.....	۲۱۳

دو هفته پس از حملات ۱۱ سپتامبر، در حالی که ایالات متحده برای جنگ در افغانستان آماده شده بود، یک خبرنگار از دونالد رامسفلد^۱ وزیر دفاع پرسید: «آیا ممکن است مقامات آمریکایی به منظور گمراه کردن دشمن، در مورد عملیات نظامی به رسانه‌های خبری دروغ بگویند؟»

رامسفلد در پشت تریبون اتاق جلسات پنتاگون ایستاده بود. از زمان انفجار پرواز شماره ۷۷ امریکن ایرلاینز^۲ در ضلع غربی این ساختمان، هنوز بوی دود و سوخت جت می‌آمد. در این انفجار، ۱۸۹ نفر کشته شدند. وزیر دفاع با نقل قول از وینستون چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس چنین پاسخ داد: «در زمان جنگ حقیقت آن قدر ارزشمند است که باید با دروغ گفتن از آن محافظت کرد.» رامسفلد در ادامه توضیح داد که چگونه متفقین، قبل از روز عملیات پیاده‌سازی‌های نرماندی^۳، یک کمپین ضد اطلاعاتی به نام عملیات بادبگارد اجرا کردند تا آلمانی‌ها را در مورد زمان و مکان حمله به غرب اروپا در سال ۱۹۴۴ سردرگم کنند.

به نظر می‌رسید رامسفلد سعی در توجیه دروغ‌پراکنی دارد، اما در ادامه گفت که هرگز چنین کاری نخواهد کرد. «در پاسخ سؤال شما باید بگویم که خیر، چنین امکانی وجود ندارد. من تا به اکنون در خاطر ندارم که به مطبوعات دروغ گفته باشم. ده‌ها روش وجود دارد که بتوانم از قرار گرفتن در موقعیتی که باید دروغ بگویم، اجتناب کنم.» رامسفلد در پاسخ به این سؤال که «آیا می‌توان از دیگران در وزارت دفاع انتظار داشت که به مطبوعات دروغ بگویند؟» مکث کرد و لبخند کوچکی زد و گفت: «حتماً دارید شوخی می‌کنید!»

دوازده روز بعد، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱، هنگامی که ارتش ایالات متحده بمباران افغانستان را آغاز کرد، هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که این جنگ به طولانی‌ترین جنگ در تاریخ آمریکا تبدیل شود؛ یعنی طولانی‌تر از جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و ویتنام. برخلاف جنگ ویتنام یا جنگی که در سال ۲۰۰۳ در عراق آغاز شد، تصمیم برای اقدام نظامی علیه افغانستان با

۱. Donald Rumsfeld

۲. پرواز شماره ۷۷ امریکن ایرلاینز، پروازی بود که طی آن یکی از چهار هواپیماربایی روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مجموع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر اتفاق می‌افتد. در این پرواز هواپیمارباییان پس از تغییر مسیر پرواز، هواپیما را به دیوار غربی پنتاگون می‌کوبانند. م.م.

۳. پیاده‌سازی‌های نرماندی (با نام رمزی عملیات نیتون) اولین عملیات در جهت نرماندی در جنگ جهانی دوم است که در روز دی ۶ ژوئن ۱۹۴۴ با پیاده شدن ۱۶۰،۰۰۰ نفر در ساحل نرماندی و با بیش از ۵۰۰۰ کشتی انجام شد. م.م.

حمایت عمومی یک جانبه مردم صورت گرفت. آمریکایی‌ها که از حملات تروریستی ویرانگر القاعده متأثر و عصبانی شده بودند، انتظار داشتند که رهبران آن‌ها یا همان عزمی که پس از حمله ژاپن به پرل هاربر داشتند، از سرزمین خود دفاع کنند. کنگره طی سه روز پس از یازده سپتامبر، قانونی را تصویب کرد که به دولت بوش اجازه می‌داد علیه القاعده و هر کشوری که از این شبکه حمایت می‌کرد، وارد جنگ شود.

برای اولین بار، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، از ماده ۵ در خصوص تعهد جمعی این اتحادیه برای دفاع از هر یک از کشورهای عضو که مورد حمله قرار گرفته‌اند، استفاده کرد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء «حملات وحشتناک تروریستی» را محکوم کرد و از همه کشورهای خواست تا عاملان این جنایت را تحویل عدالت دهند، حتی قدرت‌های متخاصم با ایالات متحده ابراز همبستگی کردند. در ایران، هزاران نفر در مراسمی برای کشته شدگان شمع روشن کردند و تظاهرات نیز پس از ۲۲ سال، در نماز جمعه خود شعار مرگ بر آمریکا ندادند. با چنین پشتوانه قوی، مقامات آمریکایی نیازی به دروغ گفتن برای توجیه جنگ نداشتند. با این حال، رهبران کاخ سفید، پنتاگون و وزارت امور خارجه، به زودی شروع به ارائه اطمینان‌های دروغین و نوشتن گزارش‌هایی درباره شکست در میدان جنگ کردند. فرماندهان نظامی و دیپلمات‌ها نیز به این ریاکاری دامن زدند.

هیچ‌کس نمی‌خواست اعتراف کند که چگونه جنگی که بایک دلیل مشروع آغاز شد، به یک امیدواری تبدیل شده است. از واشنگتن تا کابل، توطئه ناگفته‌ای برای مخفی کردن حقیقت به وقوع پیوست. نادیده گرفتن‌ها به طور غیرقابل تصویری به فریب و سرانجام به پوچی‌های آشکار منجر شد. دوبار (در سال ۲۰۰۳ و بار دیگر در سال ۲۰۱۴)، دولت ایالات متحده پایان عملیات رزمی خود را اعلام کرد. این شعارها هیچ ارتباطی با واقعیت نداشت.



باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، وعده داده بود به جنگ پایان داده و همه سربازان را به خانه بازمی‌گرداند، اما با نزدیک شدن به پایان دوره دوم ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۶، این کار را انجام نداد. آمریکایی‌ها از درگیری‌های بی‌پایان در خارج از کشور خسته شده بودند. در آن

۱. معروفیت این بندر به خاطر حمله ارتش ژاپن به پایگاه دریایی ایالات متحده آمریکا در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ است. در پی این حمله، آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد. م.

زمان، من تقریباً هفت سال به عنوان گزارشگر حوزه‌ای که موضوعات مربوط به پنتاگون و ارتش آمریکا را مورد پوشش قرار می‌داد، در روزنامه واشنگتن پست فعالیت می‌کردم. من چهار وزیر مختلف دفاع و پنج فرمانده جنگ را تحت پوشش خبر خود قرار داده بودم و در موارد متعددی با مقامات ارشد نظامی به افغانستان و مناطق اطراف سفر می‌کردم. قبل از آن، به عنوان خبرنگار خارجی واشنگتن پست به مدت شش سال در خارج از کشور فعالیت کردم و درباره القاعده و متحدان تروریستی آن در افغانستان، پاکستان، خاورمیانه، شمال آفریقا و اروپا خبر می‌نوشتم و مانند بسیاری از روزنامه‌نگاران می‌دانستم که افغانستان یک آشفته‌بازار است! من اظهارات توخالی ارتش ایالات متحده مبنی بر اینکه همیشه در حال پیشرفت و در مسیر درست بود را قبول نداشتیم. واشنگتن پست و دیگر سازمان‌های خبری سال‌ها مشکلات ساختاری جنگ را افشا کرده بودند. کتاب‌ها و خاطرات، روایت‌های داخلی از نبردهای محوری در افغانستان و جنایات سیاسی در واشنگتن را نشان می‌دادند، اما من معتقد بودم آنان به اصل داستان نپرداخته‌اند.

چگونه جنگ به بن‌بست رسید و بدون چشم‌انداز واقع‌بینانه برای پیروزی پایدار تبدیل شد؟ ایالات متحده و متحدانش، ابتدا طالبان و القاعده را در سال ۲۰۰۱ درهم شکستند. چه چیزی اشتباه پیش رفت؟ هیچ‌کس در مورد شکست‌های استراتژیک به‌طور عمومی بررسی یا توضیحی بی‌دریغ از نحوه شکست کارزار ارائه نداده است. تا به امروز، هیچ نسخه‌ای از کمیسیون یازده سپتامبر در افغانستان وجود نداشت که دولت را مسئول ناتوانی در جلوگیری از بدترین حمله تروریستی در خاک آمریکا بداند. در تابستان ۲۰۱۶، من یک خبر دریافت کردم که سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان،^۱ با صدها شرکت‌کننده در جنگ مصاحبه کرده است. سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان مصاحبه‌هایی را برای پروژه‌ای با عنوان درس‌های آموخته انجام داده بود که هدف آن تشخیص شکست سیاست‌ها در افغانستان بود تا ایالات متحده اشتباهات را در آینده تکرار نکند.

در سپتامبر آن سال، سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان، شروع به انتشار یکسری گزارش‌هایی کرد که مشکلات را در افغانستان برجسته ساخت. انتقادات تند و خشم

۱. Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان (سیگار) مرجع اصلی

نظارتی دولت ایالات متحده بر بازسازی افغانستان است.

مصاحبه‌شوندگان از متن این گزارش‌ها حذف شده بود. مأموریت یک روزنامه‌نگار تحقیقی این است که بفهمد دولت چه حقایقی را پنهان می‌کند تا آن‌ها را برای عموم افشا کند. به همین دلیل، من از مرجع مربوطه خواستم تا اطلاعات مربوط به گزارش‌ها، یادداشت‌ها و ضبط‌های صوتی را در اختیار من قرار دهد. من برای آن مرجع توضیح دادم که عموم مردم حق دارند انتقادات داخلی دولت از جنگ را بدانند؛ یعنی حقیقت بدون نقص. هربار درخواست من را به تأخیر انداختند و در برابر آن مقاومت کردند. واشنگتن پست برای اجبار سرمفتش ویژه جهت بازسازی افغانستان به منظور انتشار اطلاعات مربوطه، دو شکایت مطرح کرد. پس از سه سال نبرد حقوقی، سرانجام بیش از ۲۰۰۰ صفحه یادداشت‌های منتشر نشده از مصاحبه با ۴۲۸ نفر را که مستقیماً در جنگ نقش داشتند، از ژنرال‌ها و دیپلمات‌ها گرفته تا نیروهای امدادی و مقامات افغان، افشا شد. آژانس، بخش‌هایی از اسناد را ویرایش کرده و هویت اکثر افرادی را که با آن‌ها مصاحبه شده بود را پنهان کرد، اما مصاحبه‌ها نشان داد که بسیاری از مقامات ارشد ایالات متحده به‌طور خصوصی جنگ را یک فاجعه غیرقابل کنترل می‌دانستند و این در تضاد با اظهارات عمومی کارمندان کاخ سفید، پنتاگون و وزارت امور خارجه است که سال به سال به آمریکایی‌ها اطمینان می‌دهند که در افغانستان در حال پیشرفت هستند. مقامات آمریکایی به سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان اعتراف کردند که برنامه‌های جنگ دارای نقص‌های اساسی است و واشنگتن میلیارد‌ها دلار برای بازسازی افغانستان در یک کشور مدرن هدر داده است. این مصاحبه‌ها همچنین تلاش‌های سرسختانه دولت ایالات متحده برای جلوگیری از فساد، ایجاد ارتش و پلیس صالح افغانستان و ضربه زدن به تجارت پروتق‌ترياک افغانستان را افشا کرد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از تلاش‌های صریح و مداوم دولت ایالات متحده برای گمراه کردن عمدی مردم خبر دادند. آن‌ها گفتند که مقامات در مقرهای نظامی در کابل (و در کاخ سفید) به‌طور مرتب آمارها را تحریف می‌کردند تا به نظر برسد که ایالات متحده در جنگ برنده است؛ در حالی که این امر به وضوح خلاف واقع بود. به طرز شگفت‌انگیزی، ژنرال‌های فرمانده اعتراف کردند که سعی داشته‌اند بدون استراتژی کاربردی به جنگ بپردازند. ژنرال دان مک نیل،^۱ که دوبار در زمان ریاست جمهوری بوش خدمت کرده بود، گفت که در این باره

هیچ برنامه مبارزاتی وجود نداشته است. ژنرال بریتانیایی، دیوید ریچاردز،^۱ که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۷ فرماندهی نیروهای ایالات متحده و ناتو را بر عهده داشت، گفت: «هیچ استراتژی منسجم و بلندمدت وجود نداشت. ما سعی می‌کردیم یک رویکرد منسجم و بلندمدت (یک استراتژی مناسب) داشته باشیم، اما در عوض تاکتیک‌های زیادی به دست آوردیم.»

مقامات دیگر گفتند که ایالات متحده از ابتدا جنگ را به هم ریخت و در مقابل محاسبات غلط و قضاوت‌های غلط مرتکب اشتباهاتی شد. ریچارد بوچر،^۲ که به عنوان دیپلمات ارشد دولت بوش در آسیای جنوبی و مرکزی فعالیت می‌کرد، گفت: «ما نمی‌دانستیم داریم چه کار می‌کنیم.» ژنرال داگلاس لوت،^۳ که در زمان بوش و اوپاما به عنوان تزار جنگی کاخ سفید خدمت می‌کرد، گفت: «ما هیچ تصویری در مورد آنچه انجام می‌دادیم، نداشتیم.» وی از اینکه بسیاری از نیروهای آمریکایی جان خود را از دست داده‌اند، ابراز تأسف کرد و اظهار داشت که دولت این خون‌ها را هدر داده است.

در بیش از دو دهه، بیش از ۷۷۵,۰۰۰ سرباز آمریکایی در افغانستان مستقر شده‌اند و از این تعداد، بیش از ۲۳۰۰ نفر در آنجا جان باختند و ۲۱۰۰۰ نفر مجروح شدند. دولت ایالات متحده هزینه‌ای که باید برای جنگ پرداخت می‌کرد را به درستی حساب نکرده بود، اما بیشتر تخمین‌ها از یک تریلیون دلار فراتر می‌رود.



مصاحبه‌های انجام شده با توصیفات صریح آن‌ها در مورد چگونگی گیرافتادن ایالات متحده در یک جنگ خارجی و همچنین عزم دولت برای پنهان کردن آن‌ها از عموم مردم، بسیار شبیه به اسناد پنتاگون، تاریخ سری وزارت دفاع در جنگ ویتنام بود. هنگامی که آن‌ها در سال ۱۹۷۱ فاش شدند، معلوم شد که دولت مدت‌ها در مورد نحوه درگیر شدن ایالات متحده در ویتنام به مردم دروغ گفته است. این مطالعه ۷۰۰۰ صفحه‌ای در چهل و هفت جلد، کاملاً بر اساس اسناد دولتی داخلی بود؛ نامه‌های دیپلماتیک، یادداشت‌های تصمیم‌گیری،

1. David Richards

2. Richard Boucher

3. Douglas Lute

گزارش‌های اطلاعاتی. رابرت مک نامارا،^۱ وزیر دفاع برای حفظ محرمانگی، دستور داد مصاحبه نویسندگان با هر کسی ممنوع شود.

پروژه «درس‌های آموخته» با چنین محدودیتی روبه‌رو نشد. کارکنان سرمفتش ویژه برای بازسازی افغانستان، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، مصاحبه‌های خود را بیشتر با افراد حرفه‌ای که در دوران بوش و اوباما خدمت می‌کردند، انجام دادند. برخلاف اسناد پنتاگون، هیچ‌یک از اسناد مربوط به پروژه درس‌های آموخته به عنوان اسناد سری طبقه‌بندی نشد. با این حال، هنگامی که واشنگتن پست اصرار کرد آن‌ها را علنی کند، سایر آژانس‌های فدرال وارد عمل شدند و مطالبی را به عنوان اسناد سری طبقه‌بندی کردند. این مصاحبه‌ها حاوی افشای‌های معدودی در مورد عملیات نظامی بود، اما در همه‌جا سیل انتقاداتی وجود داشت که روایت رسمی جنگ را از همان روزهای اولیه تا آغاز دولت ترامپ رد کرد. برای تکمیل مصاحبه‌ها، من صدها یادداشت طبقه‌بندی شده قبلی در مورد جنگ افغانستان که رامسفلد بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ دریافت یا دیکته کرده بود، به دست آوردم. این یادداشت‌ها که توسط رامسفلد و کارکنانش با نام «دانه‌های برف» معروف بود، دستورالعمل‌ها یا اظهارنظرهای کوتاهی است که رئیس پنتاگون اغلب چندین بار در روز به افراد زیردست خود می‌گفت. رامسفلد، تعدادی از دانه‌های برف خود را در سال ۲۰۱۱ در معرض دید عموم قرار داد و آن‌ها را به همراه خاطرات خود تحت عنوان «شناخته شده و ناشناخته» به صورت آنلاین منتشر کرد. با این وجود، ۵۹۰۰۰ صفحه از دانه‌های برف او به عنوان اسناد محرمانه طبقه‌بندی شد. در سال ۲۰۱۷، در پاسخ به شکایت قانون آزادی اطلاعات (FOIA) که توسط بایگانی امنیت ملی، یک مؤسسه تحقیقاتی غیرانتفاعی مستقر در دانشگاه جورج واشنگتن مطرح شده بود، وزارت دفاع شروع به انتشار مابقی دانه‌های برف رامسفلد کرد. این اطلاعات با من به اشتراک گذاشته شد.

بسیاری از این اطلاعات، مشکلاتی را پیش‌بینی می‌کردند که بیش از یک دهه بعد ارتش آمریکا را درگیر خود کرد. رامسفلد در یادداشتی برای رئیس اطلاعات خود، تقریباً دو سال پس از آغاز جنگ نوشت: «من هیچ نظری درباره اینکه چه کسی در افغانستان آدم بد است، ندارم.»